

رب لایزال علی راس الصلوات

حکایت لاله ها

بد و ده خاطره از لاله های عاشق پرپر شده

مؤلف: مهدی حمامی

www.ketab.ir

سرسناسه	: حمّامی، مهدی، ۱۳۸۱-
عنوان و نام پدیدآور	: حکایت لاله ها: صد و ده خاطره از لاله های پرپر شده/ مؤلف مهدی حمّامی
مشخصات نشر	: تبریز: بیلاق قلم، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۹ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۳۱۳-۲
رصیعت فهرست نویسی	: فیبا
رصوع	: صد و ده خاطره از لاله های عاشق پرپر شده.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷—شهیدان—خاطرات
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988—Marrys—Diaries
موضوع	: شهیدان مسلمان—سوریه
موضوع	: Muslim martyrs--syria
رده بندی کنگره	: DRS۱۲۵
رده بندی دیویی	: ۵۵/۰۸ ۳۰۹۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۱۱۱

حکایت لاله ها

مؤلف: مهدی حمّامی
طرح روی جلد: مهدی حمّامی

چاپ اول ۱۳۹۹/۱۴۹ صفحه/ قطع رقعی/ شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۳۱۳-۲

مرکز فروش: (۱) تبریز- سه راهی طالقانی، انتشارات اختر

تلفن: ۰۴۱۳۵۵۵۵۳۹۳

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

فهرست.....	صفحه
پیشگفتار.....	۱۳
خاطرات شهدای دفاع مقدس.....	۱۶
سنّ عاشقی.....	۱۷
وعده امام رضا(ع) به یک شهید.....	۱۸
حق الناس.....	۱۹
عشق به اسلام و انقلاب.....	۲۰
جلوگیر از حرم با بخشش.....	۲۱
دارن اذان میگفت.....	۲۲
کار کردن وقت نماز برکت ندارد.....	۲۳
الان می خوانم تا تکلیف انجام داده باشم.....	۲۴
این مرد برای تو شوهر نمی شو.....	۲۵
باید جوابگوی رأی خود باشم.....	۲۶
شهرت زیاد اسباب گرفتاری است.....	۲۷
فقط خط امام.....	۲۸
صورتتم را متبرک کردی.....	۲۹
شرط مرا نشکنید.....	۳۰
چطور ناراحت نباشم.....	۳۱
با همان پیکان مدل پایین رفت و آمد می کرد.....	۳۲
ناشناخته.....	۳۳
وقتی احتیاج ندارم چرا بگیرم.....	۳۴

- ۳۵..... رفیق بهشتی
- ۳۶..... این دستور خداست
- ۳۷..... با دوست بد، قطع رابطه کرد
- ۳۸..... قلک شکسته
- ۳۹..... او هم باید بازی کند
- ۴۰..... نگذاشت برایش لباس بخریم
- ۴۱..... کاری کن تا خدا از تو راضی باشد
- ۴۲..... برای همه ای خدای گرم ببر
- ۴۳..... تو برو
- ۴۴..... نمی توانم عیب مردم را فاش کنم
- ۴۵..... چون پشت سر امام و انقلاب می گفت رهایش کردم
- ۴۶..... چرا از خدا نمی ترسی
- ۴۷..... چرا مجلس شیطان درست کردید
- ۴۸..... حواستان به نگاهتان باشد
- ۴۹..... تا وقتی حجابتان درست نشود، داخل نمی آیم
- ۵۰..... اگر اعمالتان را دوباره دیدید، شرمند نشوید
- ۵۱..... خوبی های دیگران را می گفت
- ۵۲..... یک نفر معترض
- ۵۳..... روی سجاده به خواب رفته بود
- ۵۴..... امام قلب ماست
- ۵۵..... اول به مسجد برویم، بعد درباره کار حرف بزنیم

- ۵۶.....قدر این لحظات را بدان.....
- ۵۷.....عبدالصمد.....
- ۵۸.....از رضا برای خدا گذشتم.....
- ۵۹.....یاد خدا آرامش دهنده است.....
- ۶۰.....تلاش اصلی برای آخرت است.....
- ۶۱.....ریاضت دنیا، راحتی آخرت.....
- ۶۲.....خدا با منی دهد.....
- ۶۳.....تکیه ما به او کلمات نیست.....
- ۶۴.....محک.....
- ۶۵.....تقوای الهی.....
- ۶۶.....برای ما چه آورده ای.....
- ۶۷.....نمی خواهم قیامت جوابگو می باشم.....
- ۶۸.....بهترین راه تشکر از خدا.....
- ۶۹.....راضی ام، چون به انقلاب خدمت می کنم.....
- ۷۰.....شما اگر جایی آتش باشه بنزین داخلش میریزن.....
- ۷۱.....من یک بسیجی ام، همین.....
- ۷۲.....مرد است و قولش.....
- ۷۳.....پیراهن امانت.....
- ۷۴.....آموختن اصول حفظ اسرار.....
- ۷۵.....برای این دنیا، این هم زیادی است.....
- ۷۶.....برای خوردن، زندگی نمی کنم.....

- ۱۲۲.....گروه تئاتر و سرود
- ۱۲۳.....تشنه
- ۱۲۵.....شفاعت قرآن و اهل بیت
- ۱۲۶.....فعالیت مذهبی
- ۱۲۷.....شرید سالم
- ۱۲۹.....شست‌گره شده
- ۱۳۱.....دیدار با خ...
- ۱۳۴.....غواصان دریا
- ۱۳۹.....عکس با شهید اکرم
- ۱۴۱.....در یک قدمی شهادت
- ۱۴۲.....بخش پایانی

پیشگفتار

«استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است؛ غالباً جوان، ولی همه در رتبه های رفیع انسانیت» امام خامنه ای (حفظه الله) - فرازی از بیانیه گام دوم انقلاب

چند سالی می شد که آتش عشق شهیدان در درونم شعله ور شده بود؛ بخصوص بعد از شهادت فرهاد نعمتی^۱ وقتی فهمیدم، در کنار یکی از شهدا دقایقی از عزم را سپری کرده ام و ناظر خلق و خوی شهدایی بوده ام، آتش درونم شعله ور می شد.

همواره می خواستم، آتش درونم که از عمق جانم بر می آمد، جامه عمل بپوشانم و کاری کنم تا یاد و خاطره شهدا را زنده نگه بدارم.

تا اینکه یک روز پیامکی نظرم را جلب کرد. استادم بود، جناب آقای دانشور. پیام داده بودند تا پژوهشی را انجام بدهیم. یکی دو روزی گذشت تا عنوان پژوهش را انتخاب کنیم. در این مدت مدیدی برای درونم را می شنیدم "فرجام کار باید هم خیرالدنیا باشد هم خیرالآخره".

نمی دانم، شاید استادم حرارت آتش درونم را حس کرده باشد که در روزی شهدایی، عنوانی شهدایی را پیشنهاد دادند و تاکید کردند که این روز را فراموش نکنم.

اولش نمی دانستم چه روز مهمی است که ایشان تاکید بر آن دارند.